

رباعیات اسیر شهرستانی در دیوان خاقانی

سید علی میرافضلی

| ۳۱۲-۲۹۵ |



The Quartets of Asir Shahristāni in Divan Khāqāni
Seyed Ali Mirafazli

Abstract: The issue of fake poems in the famous poets' Divans is one of the constant problems in the history of Persian poetry. It can almost be said that there is no Divan that is void of added poems. One of the main reasons for this in emended texts is the use of dubious manuscripts and unreliable sources. In this way, the editor, while proofreading, comes across manuscripts that have suspicious poems and without making a detailed assessment of this issue, he adds them into the text. In the present article, we have investigated the added fake quatrains in several editions of the Khāqāni's Divan and identified 22 quatrains of Asir Shahristāni in these editions. The origin of this mixing is the version published by Nawal Kishore Press, published in Lucknow in 1295 AD.

Keywords: Khāqāni Shirvāni, Asir Shahristāni, Additional Quartets, Nawal Kishore Press, Mirzā Ghālib

چکیده: مسئله اشعار ناسره در دیوان شعرا، یکی از مشکلات همیشگی تاریخ شعر فارسی است. تقریباً می‌شود گفت که هیچ دیوانی نیست که از اشعار الحاقی در امان مانده باشد. یکی از اصلی‌ترین دلایل آن در متن‌های تصحیح‌شده، استفاده از دستنویس‌های مشکوک و منابع نامعتبر است. بدین ترتیب که مصحح، در کار تصحیح، به نسخه‌هایی بر می‌خورد که دارای اشعار مشکوک است و بدون آنکه در این مسئله ارزیابی دقیقی صورت دهد، آن‌ها را وارد متن می‌کند. در مقاله حاضر، به بررسی رباعیات الحاقی در چند چاپ دیوان خاقانی پرداخته‌ایم و ۲۲ رباعی اسیر شهرستانی را در این چاپ‌ها شناسایی کرده‌ایم. منشأ این اختلاط، چاپ مطبوعه نول کشور است که در سال ۱۲۹۵ ق در لکهنو منتشر شده است.

کلیدواژه‌ها: خاقانی شروانی، اسیر شهرستانی، رباعیات الحاقی، مطبوعه نول کشور، غالب لکهنوی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از مشکلات همیشگی تاریخ شعر فارسی، مسئله بررسی اصالت اشعار و وجود شعرهای الحاقی و مشکوک در دیوان شاعران است. این معضل کمابیش در دیوان اغلب شاعران دیده می‌شود و می‌توان گفت هیچ شاعری نیست که دیوانش از اشعار دخیل و غیراصیل در امان مانده باشد. یکی از دیوان‌هایی که گرفتار معضل رباعیات الحاقی است، دیوان خاقانی شروانی سخنور نامدار قرن ششم هجری است. در مقاله حاضر، به بررسی رباعیات الحاقی در چند چاپ دیوان خاقانی پرداخته‌ایم.

قدیم‌ترین چاپ دیوان خاقانی، متنی است که در ۱۲۹۳-۱۲۹۵ ق (۱۸۷۶-۱۸۷۸ م) در دو جلد در چاپخانه مشهور نول کشور واقع در لکهنو هندوستان منتشر شده و معتبرترین تصحیحی که از دیوان خاقانی در دست است، متن مصحح دکتر ضیاءالدین سجادی است که اول بار به سال ۱۳۳۸ شمسی بر اساس دو دستنویس کهن و چند نسخه دیگر منتشر و تا امروز بارها تجدید چاپ شده است.

پس از مطابقت رباعیات چاپ سجادی با سایر چاپ‌ها مشخص شد که اغلب این چاپ‌ها، رباعیات اضافه‌ای دارند که در نسخ کهن دیوان خاقانی دیده نمی‌شوند. سرخ این رباعیات افزوده را در چاپ مطبوعه نول کشور یافتیم. مرحوم علی عبدالرسولی هنگام تصحیح دیوان خاقانی (تهران، ۱۳۱۷) برخی از رباعیات اضافه را کنار گذاشت و مابقی را که می‌پنداشت از آن خاقانی است، به متن منتقل کرد. به غیر از سجادی، سایر اهتمام‌کنندگان (نخعی، کزازی، منصور)، همه یا بخشی از رباعیات افزوده چاپ عبدالرسولی را سروده خاقانی دانسته و در دیوان او جای داده‌اند. چندی پیش، هنگام مطالعه نسخه‌های خطی دیوان اسیر شهرستانی، شاعر عهد صفوی، متوجه شدم که تعدادی از رباعیات او در میان رباعیات افزوده دیوان خاقانی (چاپ مطبوعه نول کشور و سایر چاپ‌ها) دیده می‌شود. نقل رباعیات اسیر در چاپ مطبوعه نول کشور با اغلاط فراوان همراه است و این اغلاط، کمابیش در همه چاپ‌های دیوان خاقانی تکرار شده است.

رباعیات خاقانی در چاپ لکهنو

شهرت خاقانی شروانی، از دیرباز به قصاید و مثنوی ختم الغرائب (تحفة العراقین) او بوده است و بر آن‌ها شرح‌های متعددی نگاشته‌اند. با این همه، رباعیاتش نیز در تاریخ رباعی فارسی جایگاه ارزنده‌ای دارد و دو نوبت نیز جداگانه به چاپ رسیده است: یک بار به اهتمام کارل زالمان (پترزبورگ، ۱۸۷۵ م) و یک بار نیز به ترتیب محمد آقا سلطان زاده (باکو، ۱۹۸۲ م). تعداد رباعیات او در چاپ سجادی، ۲۹۷ رباعی است. خاقانی برخلاف هم‌عصران خود به آوردن قوافی چهارگانه در رباعی علاقه داشته و ۶۲ درصد از رباعیات او چهار قافیه‌ای است (۱۸۴ رباعی)؛ در حالی که آمار رباعیات

۱. ر.ک. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۲: ۱۷۶۶-۱۷۶۷؛ فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ۲: ۲۲۹۷.

چهارقافیه‌ای در دیوان شاعران قرن ششم در حدود ۲۲ درصد است.^۲ مؤلف نزهة المجالس بیست رباعی از خاقانی نقل کرده که هفت فقره آن در دیوان او نیست.

همان‌طور که گفته شد، قدیم‌ترین چاپ دیوان خاقانی به سال ۱۲۹۳ و ۱۲۹۵ ق در مطبعه نول کشور لکهنو صورت گرفته و مشتمل بر دو جلد است. در هاشم نسخه، اشعار خاقانی شرح شده و شارح آن، سید محمد صادق علی رضوی لکهنوی متخلص به «غالب» است که یادداشت او در انتهای بخش رباعیات موجود است و طبق آن، تحشیه و حل مشکلات کلیات خاقانی از جانب منشی نول کشور به او محول شده است (ص ۱۴۲۳-۱۴۲۴).^۳

رباعیات خاقانی در جلد دوم کتاب جای دارد که با حذف رباعیات تکراری و اشعار غیر رباعی، بالغ بر ۵۰۷ رباعی است. این چاپ، چاپی به غایت مغلوط است و در بخش رباعیات، شعری نیست که غلط ضبط نشده و بر اساس همان غلط شرح نشده باشد. فی‌المثل این رباعی خاقانی (دیوان، سجادی، ۷۲۱):

ای زلف بتم! به شــــب سیاهی ده باز وی شب! شب وصل است دژم باش و دراز

وی ابر! برآی و پــــرده بر ماه طراز^۴ وی صبح! کرم کن به عدم زآن سو یاز

در چاپ لکهنو چنین ضبط شده (ص ۱۳۱۷):

ای زلف نیم به شــــب سیاهی ده ناز وی شب وصل است دژم پاس و دراز

وی ابر برای پردگی بــــر ماه دراز وی صبح کرم کن و میا زآنسو باز

و شارح آن را چنین شرح نموده است: «ای ماه شب افروز من، زلف تو در نیم شب سیاهی ده ناز است. و همچنین وی شب ای شب گذشته در شب وصل تو که درازی پاسی داشت، بپاس ماندم. و هم ای ابر برای پردگی و حجاب بر رخسار ماه و چهره رشک قمر من چرا آوری چرا که در شب وصل، روشنایی و نور باید نه که تیرگی و تاریکی افزایش دهد. پس به هر طوری که شب گذشت داه پیشین من

۲. برای دیدن آمار رباعیات سه‌قافیه‌ای و چهارقافیه‌ای در دیوان یازده تن از شعرای قرن ششم هجری، رک. رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی، ۹۳

۳. از سید محمد صادق علی رضوی لکهنوی متخلص به «غالب» اطلاعات چندانی به دست ما نیفتاد. نام او در فرهنگ سخنوران ختیم پور ذکر نشده است. وی شرحی بر دیوان حافظ نوشته که به سال ۱۲۸۹ ق در مطبعه نول کشور چاپ شده است. به نوشته نوشاهی، «این شرح همان شرحی است که ختمی لاهوری به سال ۱۰۲۶ ق به نام مرج البحرین نگاشته است، ولی سید محمد صادقی علی رضوی لکهنوی، مقدمه و مؤخره آن را که حاوی نام ختمی و تاریخ تألیف بوده، برداشته و به جای آن نام خود قرار داده و می‌گوید که این را به فرمایش منشی نول کشور تألیف کرده است» (کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه فازه، ۳: ۱۷۳۸). نوشاهی کتابی به نام انیس الاطباء را نیز از آثار او بر شمرده است (همانجا، ۲: ۱۱۴۵). نام او در برخی دیگر از چاپ‌کرده‌های مطبعه نول کشور به عنوان مصحح دیده می‌شود (رک. همانجا، ۴: ۲۹۱۵). ذیل عنوان «غالب لکهنوی».

۴. مصراع سوم در چاپ سجادی چنین است: وی ابر برای دیده بر ماه طراز. اصلاح متن بر اساس دستنویس شماره ۱۷۰۶۸ کتابخانه مجلس است (برگ ۳۲۵ پ).

حلولی ماند (کذا). ای صبح از تو امید دارم که کرم کنی و طلوع خورشید بدیر برای تو هم به تأخیر برآیی مرهون منت و احسان فرمایی». میزان دانش غالب لکهنوی و زبان دانی و شعرشناسی او از شرحش هویدا است.

نزدیک به نیمی از رباعیات این چاپ، در هیچ دستنویس دیوان خاقانی موجود نیست و سروده شاعران دیگر از جمله اسیر شهرستانی است. سیزده قطعه از اشعار این بخش، اصلاً رباعی نیست. یکی از همین قطعات در چاپ عبدالرسولی (ص ۸۹۷) و بعضی چاپ‌های دیگر (از جمله باکو، ۷) رباعی محسوب شده و در شمار رباعیات خاقانی قرار گرفته است.

گردآورنده چاپ نول کشور، با ظرافت خاصی رباعیات دیگران را در لابه‌لای رباعیات خاقانی جانمایی کرده است. اما در آخر بخش رباعیات، یکجا حدود ۱۵۹ رباعی را به رباعیات خاقانی افزوده است (ص ۱۳۷۲-۱۴۲۲). گوینده رباعیات این بخش، پیرو مشرب عرفانی محی‌الدین ابن عربی (د. ۶۳۸ ق) بوده و اصطلاحات خاص دستگاه فکری ابن عربی و پیروان و شارحان آرای او را بی‌هیچ وجه شاعرانه‌ای در رباعیاتش به کار برده است؛ اصطلاحات و ترکیباتی همچون: مقامات ظهور (ص ۱۳۷۳)، امهات و اوصاف (ص ۱۳۷۸)، تکرار تجلی (ص ۱۳۸۵)، قابلیت اعیان (ص ۱۳۹۰)، حضرات خمس (ص ۱۴۰۶)، اطوار وجود (ص ۱۴۰۷)، استجلا (ص ۱۴۱۰)، شوون ذاتیه حق، حروف عالیات (ص ۱۴۱۱). این رباعیات بیشتر جنبه تعلیمی دارد و یادآور رباعیات جامی در نقد النصوص، اشعة اللمعات و شرح رباعیات است. در برخی از رباعیات، نام متون عرفانی که بعد از حیات خاقانی نوشته شده نیز دیده می‌شود: فصوص (ص ۱۳۷۹)، فکوک، لمعات، لمحات (ص ۱۳۸۷). در یک رباعی نیز از «شاه همدان» و «علی ثانی» با تکریم یاد شده (ص ۱۴۲۲) و منظور گوینده، میرسید علی همدانی (درگذشته ۷۸۶ ق) بوده که دو قرن بعد از خاقانی می‌زیسته است.

ما نام گوینده برخی از رباعیات الحاقی را شناسایی کرده‌ایم، اما سراینده ۱۵۹ رباعی آخر متن، شناسایی نشد. در یکی از رباعیات که ظاهراً تخلص شاعر اصلی موجود بوده، ناشر یا گردآورنده، نام او را به قیمت خلل در وزن رباعی، به خاقانی بدل کرده است (ص ۱۴۰۰):

نزدیک تو آن مه و تو دور ای خاقانی غائب شده در عین حضور ای خاقانی

بر اوج ظهور اسست مه من، لیکن مخفی است ز شدت ظهور ای خاقانی

یکی از رباعیات، تخلص خاقان دارد: تا در طلب او نکشی خاقان رنج (ص ۱۴۲۱) و به همین دلیل، عبدالرسولی، تخلص این شاعر ناشناخته را «خاقان» دانسته است (دیوان خاقانی، مقدمه مصحح، ص ۱). اینجا دلیل آمدن کلمه خاقان، نه ذکر تخلص جاعل، بلکه ناتوانی او در گنجاندن کلمه خاقانی در مصراع بوده است. احتمال آن وجود دارد که سراینده این رباعیات، «غالب لکهنوی» شارح اشعار خاقانی باشد. وی همان کسی است که یادداشت او به عنوان «خاتمة الطبع

رباعیات» در آخر بخش رباعیات کتاب موجود است. اگر به جای خاقانی در رباعی بالا یا مصراع نقل شده، «غالب» را بنشانیم، وزن رباعی بسامان می‌آید. البته، مدرک مستندی برای این نظر ندارم و محتاج بررسی بیشتر است.

در اغلب موارد، تزریق تخلص خاقانی به متن، منجر به خرابکاری در وزن و زبان شعرها شده است که از ذوق نازل جعل‌کننده خبر می‌دهد. فی‌المثل، برای اینکه دو بیت از غزل معروف صائب تبریزی را به خاقانی ببخشند، در مصرعی سست، نام خاقانی را به «خاقانی» تبدیل کرده است (ص ۱۳۰۹):

با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است بادهان خشک‌مردن بربل دریا خوش است
هیچ کاری **خاقانی** گری تأمل خوب نیست بی تأمل دامن افشاندن از دنیا خوش است

بیت دوم در دیوان صائب چنین است:

هیچ کاری گرچه **صائب** بی تأمل خوب نیست بی تأمل آستین افشاندن از دنیا خوش است^۵
باربعی محشری خوانساری، شاعر قرن یازدهم ق، نیز همین معامله رفته و در جایی که نیاز نبوده، تخلص «خاقانی» به شعر الحاق شده است (ص ۱۳۰۹):

از خوش‌سخنی دل کسی ریش نشد با خوش‌سخنان کسی بداندیش نشد
گنجی است کلام **خاقانی** که بخنده^۶ آن هر چند کرم نمود، درویش نشد

مصراع سوم، در اصل رباعی محشری چنین است: گنجی است کلام خوش که بخشنده^۷ او.

در ۱۵۹ رباعی آخر متن، هر جا که تخلص خاقانی دیده می‌شود جعلی است؛ از جمله در رباعی زیر (ص ۱۴۱۳):

هر چند که از خ—ود گذری خاقانی در کوی عدم راه ب—ری خاقانی
ترس—م که وجود عدمت عود کند دیگر به وجود بش—ری خاقانی

در این بخش، حتی در قطعاتی که رباعی نیست؛ تخلص خاقانی جعلی است (ص ۱۴۱۴):

موس—ی اندر درخت آتش دید سبزتر می‌ش—د آن درخت از نار
ش—هوت و حرص مرد خاقانی این چنی—ن دان و این چنین انگار

۵. دیوان صائب تبریزی، ۲: ۵۱۳.

۶. در اصل چنین است. به نظر می‌رسد جزو اغلاط چاپی باشد.

۷. سفینه خوشگو، ۶۸۶-۶۸۷. رباعی در جواهر الخیال (ص ۹۷) بی نام گوینده آمده است.

قطعه فوق در اصل، دو بیت از غزل مولانا است و مصراع سوم در دیوان مولانا چنین است: شهوت و حرص مرد صاحب دل.^۸ متصدی مطبعه نول کشور، در بعضی رباعیات خود خاقانی نیز تصرف عدوانی کرده و برای آنکه نشان دهد تخلص «خاقان» از آن خود خاقانی بوده، آن را به متن چسبانده است: خاقان به تورا داد نم نتواند (ص ۱۳۲۹) که اصلش چنین است: بخت اربه تورا داد نم نتواند (چاپ سجادی، ۷۱۹).

تعداد رباعیات تکراری در چاپ نول کشور، در خور توجه است. ۴۲ رباعی این طبع، دو بار و یک رباعی سه بار در متن آمده و برخی از این تکرارها به چاپ عبدالرسولی نیز راه یافته است. رباعی زیر که سروده قدسی مشهدی (د. ۱۰۵۶ ق) شاعر عهد صفوی است:

خواری شـرف مردم دانا باشد عزت مطلب، فروتنی تا باشـد
با صدرنشینان منشین، کز میزان آن سر که سبک تر است، بالا باشد^۹
در چاپ نول کشور دو بار با دو ضبط مغلوط و محرف به خاقانی منسوب شده است (ص ۱۲۹۴، ۱۲۹۹):

خواهی شـرف مردم اعلی باشد باشـد طلب فروتنی تا باشد
با خاک نشینان بنشین تا گویند هر چیز سبک تر است، بالا باشد
خواهی شـرف مردم دانا باشد عزت مطلب، فروتنی تا باشـد
با صدرنشینان منشین، کز میزان هر سنگ سبک تر است، بالا باشد^{۱۰}
به نظرمی رسد رباعیات شاعران سبک اصفهانی یا هندی، اهداف دلنشینی برای جاعل چاپ لکهنو رباعی بوده اند. این رباعی مظفر حسین کاشانی، شاعر رباعی گوی عهد صفوی:

هرگز لبم از ذکر تو خاموش نشـد نام تو ز یاد من فراموش نشـد
مذکور نشـد نام تو بر هیچ زبان کاجزای وجودم همگی گوش نشد^{۱۱}
از جمله رباعیاتی است که در چاپ نول کشور (ص ۱۳۱۲) به خاقانی بخشیده شده و در چاپ های دیگر هم تکرار شده است.

۸. کلیات شمس یاد دیوان کبیر، جزو سوم، ۴۸.

۹. دیوان حاجی محمد جان قدسی مشهدی، ۷۵۱؛ تذکره لطایف الخیال، ۲: ۳۴۵؛ جواهر الخیال، ۷۶.

۱۰. این دو رباعی در چاپ های دیگر هم یافت می شود و برخی از مصححین که از گوینده اصلی خبر نداشته و روایت صحیح رباعی رانمی دانسته اند، تغییراتی از پیش خود در رباعیات داده اند که آشفتگی متن را بر طرف کند (رک. عبدالرسولی، ۹۰۳، ۹۰۴؛ نخعی، ۶۸۱؛ منصور، ۴۷۹).

۱۱. جواهر الخیال، ۴۴.

متأسفانه جعلیات چاپ نول کشور به همین چاپ محصور نمانده و در تصحیحات بعدی نیز اثر خود را ماندگار کرده است. در سال ۱۳۱۷ شمسی مرحوم علی عبدالرسولی، چاپ نول کشور را با چند نسخه خطی دیوان خاقانی و تذکره خلاصه الاشعار تقی کاشانی مقابله کرد و دیوان خاقانی را با تصحیح و تحشیه و تعلیقات در چاپخانه سعادت تهران عرضه داشت. این چاپ تا زمان تصحیح سجادی متن مورد اعتماد اغلب محققین بود و بعد از آن نیز، همچنان محل رجوع برخی از مصححین و محققین است. در مقدمه کتاب آمده است که دیوان خاقانی «یک مرتبه در هندوستان به طبع رسیده، غیر مرتب و زیادتی در آن دیده می شود؛ از قبیل قصیده ای از مسعود سعد و یکی از امیدی و غزلیات و رباعیاتی از خاقان تخلصی که عرفان مشرب است» (صفحه ۵). با اینکه عبدالرسولی با نگاه انتقادی به چاپ هندوستان نگریسته و از خیر ۱۵۹ رباعی انتهای متن گذشته، باز هم ۵۲ رباعی الحاقی به متن مصحح او راه یافته است. اغلب مصححین بعدی (به جز سجادی) بدون آنکه در چند و چون رباعیات الحاقی در چاپ عبدالرسولی به تحقیق و جست و جو بپردازند، در آن ها به نظر تأیید نگریسته و همه یا بخشی از آن ها را وارد دیوان خاقانی کرده اند. دست اندرکاران چاپ امیرکبیر (و به پیروی از آن ها جهانگیر منصور)، به الحاقیات چاپ عبدالرسولی بسنده نکرده و یک رباعی نیز خود مستقیم از چاپ نول کشور به متن افزوده اند (نخعی، ۶۷۰؛ منصور، ۴۶۸):

ای دوست اگر صاحب فقری و فنا باید که شـــــــــ عورت نبود جز به خدا

چون علم تو هم داخل غیر است و سوا باید که به علم هم نباشـــــــــی دانا

این رباعی جزو همان ۱۵۹ رباعی آخر چاپ نول کشور است (ص ۱۳۷۲) و این پرسش باقی است که متولیان چاپ های مذکور به چه دلیل ۱۵۹ رباعی دیگر را فرو گذاشته و فقط همین رباعی را وارد متن کرده اند؟

برخی از رباعیاتی که مطبوعه نول کشور به خاقانی بسته و عبدالرسولی نیز آن ها را در دیوان خاقانی نقل کرده، با حسن ظن مؤلفین نامداری همچون فروزانفر، ذبیح الله صفا و خانلری مواجه شده است و بی خبر از اصل ماجرا، آن ها را در منتخبات اشعار خاقانی جای داده اند:

- ای دوست غم تو سربه سر سوخت مرا (صفا، خانلری)

- غم کرد ریاض جان مه و سال مرا (صفا)

- عشق تو بکشت عارف و عامی را (خانلری)

- بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب (فروزانفر، خانلری)

- از فیض خیالت چمن سینه شکفت (خانلری)

- هرگز لبم از ذکر تو خاموش نشد (خانلری)

- هر کس که شود به مال دنیا فیروز (فروزانفر)

- از کوی تو ای نگار زاری بردیم (خانلری)^{۱۲}

اسیر شهرستانی و رباعیات او

میرزا جلال الدین محمد اسیر شهرستانی (۱۰۱۸ - ۱۰۵۸ ق) از نازک خیالان نامدار دوره صفوی است. وی فرزند میرزا مؤمن شهرستانی است و خاندانش، از سادات «شهرستان» اصفهان بوده‌اند. به گفته ولی قلی بیگ شاملو و نصرآبادی، اسیر شهرستانی داماد شاه عباس صفوی بود و ظاهراً به همین دلیل، بعد از روی کار آمدن شاه صفی در ۱۰۳۸ ق، به همراه جمعی از شاهزادگان به زندان افتاد، اما راهیابی یافت. نصرآبادی مرگ او را در جوانی دانسته و خوشگو تاریخ آن را ۱۰۶۹ ق در سن چهل سالگی رقم زده است. اما به روایت شاملو که به عصر شاعر نزدیک‌تر بوده و با خاندان صفوی ارتباط داشته است، اعتماد بیشتری می‌توان کرد. شاملو، سال وفات اسیر را ۱۰۵۸ قید کرده و اگر عمر او را چهل سال در نظر بگیریم، سال تولد او ۱۰۱۸ خواهد بود. بنا به نوشته ولی قلی بیگ شاملو، او را در روضه امام هشتم به خاک سپردند.^{۱۳}

در مورد جایگاه اسیر شهرستانی در شعر سبک هندی بین ادبا اختلاف نظر است. اما تأثیر او بر شعر سبک هندی غیر قابل انکار است. این داور خوشگو، تا حدودی اهمیت اسیر شهرستانی را در شعر آن روزگار نشان می‌دهد: «در شعر مشرب خاصی دارد. بلکه از اساتذده این فن است. چه امروز در سخنوران دو فرقه است: یکی، تابع طرز اسیر و دو تیمین، متتابع میرزا صائب».^{۱۴} تلاش اسیر شهرستانی برای تازه‌گویی و خیال‌انگیزی در شعرش مشهود، و توانایی او در خلق تصاویر بدیع و استعاره‌های غریب، درخور توجه است. اگر کسی شعر اسیر را به دقت مطالعه کند، تأثیر او را بر زبان شعر بیدل دهلوی به عینه می‌بیند. خان آرزو نیز از اقبال پارسی‌گویان هند به شعر او خبر داده است: «اهل زبان متأخر هندوستان، اکثر طرز و اطوار او را سرخط فصاحت ساخته‌اند و به اتباع او طرح ابیات انداخته‌اند. این قدر هست که بعضی از آن به سبب خیال‌های دور از کار، به فهم اکثر سامعان در نمی‌آید. مخفی نمائند که دیوان او در هندوستان متداول است نه در ایران. چه در آن ملک، دقت سخن پیش نمی‌رود. لهذا شیخ علی حزین می‌گفت که در اصفهان بسیار تلاش کردم تا از جایی دیوان او به هم رسید. چون سررشته نازک خیالی بسیار نازک تافته، کم کسی سر از رشته او برون می‌آرد. شخصی به میرزای مذکور گفت که از هزار کس یکی معنی شعر شمارا

۱۲. رک. سخن و سخنوران، ۶۸۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۷۹۴:۲؛ ترانه‌ها، ۷۵-۷۹

۱۳. تذکره نصرآبادی، ۱: ۱۳۸؛ سفینه خوشگو، ۲۹-۳۱؛ قصص الخاقانی، ۶۷:۲. دکتر ذبیح‌الله صفا به اعتبار قول خوشگو، تاریخ ولادت اسیر را ۱۰۲۹ دانسته (تاریخ ادبیات در ایران، ۵: ۱۲۱۲) که امری دور از ذهن است و مسئله مصاهرتش را با شاه عباس که در ۱۰۳۸ فوت کرده، غیر ممکن می‌گرداند. خوشگو، وجه تخلص «اسیر» را به ماجرای زندانی شدن او در ابتدای روی کار آمدن شاه صفی ربط داده است.

۱۴. سفینه خوشگو، ۳۰

می‌فهمد. میرزا فرمود که من هم برای همان می‌گویم».^{۱۵}

دیوان اسیر شهرستانی همچون اغلب دواوین شعرای فارسی زبان، نخستین بار در هند به چاپ رسیده است. نوشاهی، دو چاپ از کلیات اشعار او در ۱۲۹۷ق (لکهنو) و ۱۳۱۴ق (کانپور) سراغ داده است.^{۱۶} بنده تصویری از چاپ سال ۱۲۹۷ق را که در مطبوعه نول کشور چاپ شده در اختیار دارم. تصحیح غزلیات اسیر بر مبنای شش نسخه خطی به سال ۱۳۸۴ شمسی به اهتمام غلامحسین شریفی ولدانی در ایران منتشر شده است. وعده مصحح محترم برای عرضه بقیه اشعار اسیر هنوز محقق نشده است. به دلیل غرابت سبک و زبان خاص شاعر، کاتبان دیوان اسیر بسیاری از کلمات را از صورت اولیه خود گردانیده‌اند و در بعضی موارد، رسیدن به اصل سخن او، ناممکن یا بسیار دشوار شده است.

به نظر می‌رسد به خاطر نوع رباعیات اسیر که حاوی استعارات غریب و خیال‌انگیزی‌های خاص شعرای سبک اصفهانی است، گردآورنده چاپ نول کشور، ۲۲ فقره آن را مناسب درج در دیوان خاقانی دانسته است. شاید گفته شود که از کجا معلوم که رباعیات خاقانی داخل دیوان اسیر نشده باشد؟ به دلایل زیر این رباعیات، سروده اسیر شهرستانی است نه خاقانی:

نخست آنکه، هیچ کدام از این رباعیات افزوده در دست‌نویس‌های قدیم دیوان خاقانی، مثل نسخه مورخ ۶۶۴ق موزه بریتانیا (OR. ۷۹۴۲)، نسخه کهن کتابخانه مجلس (ش ۹۷۶)، نسخه کهن کتابخانه دانشکده ادبیات (۴۳ج) و نسخه مورخ ۷۰۲ق کتابخانه فاتح (ش ۳۸۱) و حتی نسخه‌های بعد از آن موجود نیست و فقط در چاپ نول کشور و چاپ‌های متأثر از آن است که به اسم خاقانی ثبت شده است.

دوم، برخی از این رباعیات مورد اشاره در مجموعه رباعیات جواهر الخیال و دقایق الخیال محمد صالح رضوی که در اوایل قرن دوازدهم گرد آمده، به اسم اسیر دیده می‌شود که در ذیل رباعیات اسیر بدان اشاره خواهد شد.

سوم، ضبط اغلب رباعیات در چاپ‌های دیوان خاقانی با خطا و تحریف همراه است و صورت درست آن‌ها در دیوان اسیر یافت می‌شود. چند نمونه آن را در زیر می‌آوریم:

دیوان اسیر: من شب هجر او می‌رسید حساب

دیوان خاقانی: از من شب هجر می‌پرسید حساب

دیوان اسیر: در دل بود آرام، حبابی بر موج

دیوان خاقانی: در دل بود آرام و خیالی هر موج

۱۵. مجمع‌النفایس، ۱: ۱۱۹

۱۶. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۳: ۱۶۰۰

دیوان اسیر: گردون، خشتی ز پایه رفعت اوست
چاپ لکهنو: گردو چشمی زمانه رفعت اوست
چاپ عبدالرسولی: گردون، حشمی ز پایه رفعت اوست

دیوان اسیر: خورشید که چرخ داده بر سر جایش
دیوان خاقانی: خورشید که داد چرخ بر سر جاننش^{۱۷}

دیوان اسیر: ما غافل و راه عجبی در پیش است
دیوان خاقانی: ما غافل از الاعجبی در پیش است^{۱۸}

دیوان اسیر: بر سر دهمت جا اگر انصاف دهی
دیوان خاقانی: بر سر دهمت خاک ز انصاف دمی

دیوان اسیر: چون یادی از آن چشم فسون ساز کنم
لکهنو: چون از این چشم فسون ساز کنم
عبدالرسولی: چون از چشم بتان فسون ساز کنم

دیوان اسیر: افغان که نه دل برای سوز آوردیم
دیوان خاقانی: افغان که ز دل برای سوز آوردم

دیوان اسیر: وی غنچه داغ، شبمی پیداکن
دیوان خاقانی: وی غنچه تو داغ ستمی پیداکن

دیوان اسیر: وی گرم ز شکوهات زبان آتش
دیوان خاقانی: وی از گرم شکوه زبان آتش

چهارم، برخی استعارات، اصطلاحات و موتیوهای موجود در این رباعیات (از قبیل: تغافل، پری و شیشه، نیرنگ هوا، چراغ لاله، عزایم خوان، شیشه ساعت)، خاص شعر سبک هندی است و یا در شعر آن دوره پُربسامد است و در دیوان خاقانی هیچ سابقه استعمال ندارد.

پنجم، ناشر دیوان اسیر شهرستانی در لکهنو (مطبعة نول کشور)، همان کسی است که دیوان خاقانی را نیز چاپ کرده و دسترسی به دیوان او داشته و به فاصله چند سال به طبع هر دو دیوان اقدام کرده است: دیوان خاقانی در ۱۲۹۵ و دیوان اسیر در ۱۲۹۷ ق.

ششم، کارل زالمان که به سال ۱۸۷۵م (مطابق با ۱۲۹۲ ق) پنج سال قبل از چاپ مطبعة نول کشور،

(۱۷) دکتر کزازی این ضبط غلط را اصلاح کرده است.

(۱۸) دکتر کزازی متوجه غلط بودن این ضبط شده و آن را قیاساً چنین اصلاح کرده است: ما غافل از آن بوالعجبی در پیش است.

رباعیات خاقانی را گردآوری و تصحیح کرده، هیچ کدام از این رباعیات اضافه را در کتاب خود نیاورده است. در حالی که در رباعیات چاپ باکو که یک قرن بعد از آن چاپ شده و به تصحیح عبدالرسولی نظر داشته است، تعدادی از رباعیات الحاقی دیده می‌شود.

مارباعیات اسیر را که وارد چاپ لکهنو شده، با چاپ عبدالرسولی که واسطه العقد جعلیات چاپ لکهنو با چاپ‌های بعدی است، سنجیده‌ایم. تعداد رباعیات اسیر در چاپ عبدالرسولی، کمتر از چاپ لکهنو است. منابع مورد رجوع ما و نشانه‌های آن‌ها به قرار زیر است:

اسیر: دستنویس مورد استفاده ما در بررسی رباعیات اسیر شهرستانی، نسخه شماره ۳۵۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که در ماه صفر سال ۱۰۶۲ ق به فاصله چهار سال از مرگ شاعر کتابت شده است. با توجه به آشفتگی اوراق کتاب، رباعیات اسیر در دو جای دستنویس آمده و حتی برخی از آن‌ها در لابه‌لای اشعار پراکنده و غزل‌های نیمه تمام شاعر جای گرفته است. این دستنویس در بردارنده ۱۴۷ رباعی است و تا آنجا که دیده و بررسی کرده‌ام، این تعداد رباعی در هیچ یک از دستنویس‌های دیوان اسیر دیده نشده است.

جواهر: محمد صالح رضوی گردآورنده جواهر الخیال، بیست فقره از رباعیات اسیر شهرستانی را در رباعی نامه خود نقل کرده که برخی از آن‌ها، همان‌هایی است که به اسم خاقانی جعل شده است. به جهت قریب العهد بودن مؤلف این اثر با اسیر، نقل او را ارزشمند یافتیم و موارد مشترک را در تأیید تعلق رباعیات به اسیر یادآور شدیم.

لکهنو: دیوان خاقانی، چاپ مطبعه نول کشور، جلد دوم، ۱۲۹۵ ق

عبدالرسولی: دیوان خاقانی، تصحیح علی عبدالرسولی، ۱۳۱۷ ش

نخعی: دیوان خاقانی، چاپ امیرکبیر، ۱۳۳۶ ش

کزازی: دیوان خاقانی، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، ۱۳۷۵ ش، جلد دوم

منصور: دیوان خاقانی، به اهتمام جهانگیر منصور، ۱۳۷۵ ش

(۱)

غم کرده ریاض جان مه و ســـــال مرا آیینه ندارد دل خوشـــــحال مرا
صیاد ز بس که دوســـــتم می‌دارد بسته‌ست در آغوش قفس بال مرا

(اسیر، ۲۸۳ پ؛ لکهنو، ۱۲۷۲؛ عبدالرسولی، ۸۹۳؛ نخعی، ۶۶۹؛ منصور، ۴۶۷)

(۲)

می ساخت چو صبح لاله گون رنگ هوا با توبه ما داشست نمک چنگ هوا
هر لکه ابری چو عذایم خوانی درشیش هه، پری کرده ز نیرنگ هوا
(اسیر، ۲۸۱ پ؛ جواهر ۱۱۰؛ لکهنو، ۱۲۷۲؛ عبدالرسولی، ۸۹۳؛ نخعی، ۶۶۹؛ منصور، ۴۶۸)

(۳)

از من شب هجر او مپرسید حساب دریای غم، کدام آرام و چه خواب؟
در دل بود آرام: حبابی بر موج در دیده خیال خواب: نقشی بر آب
(اسیر، ۳۲۴ ر؛ جواهر، ۱۵۸؛ لکهنو، ۱۲۷۳؛ عبدالرسولی، ۸۹۴؛ نخعی، ۶۷۰؛ کزازی، ۱۲۶۸؛ منصور، ۴۶۸)

(۴)

در دهر به غیر از دل دانا پوچ است سرمایه بحر و گنج صحرا پوچ است
گر بازی دسست گنجه ها می پرسی اول ز حباب دسست دریا پوچ است
(اسیر، ۲۸۲ پ؛ لکهنو، ۱۲۷۶)

(۵)

از هر نظری، بولهی در پیش است از هر نفسی، تیره شبی در پیش است
از هر قدمی، بی ادبی در پیش است ما غافل و راه عجبی در پیش است
(اسیر، ۲۸۱ پ؛ جواهر، ۱۰۳؛ لکهنو، ۱۲۷۵؛ عبدالرسولی، ۸۹۶؛ نخعی، ۶۷۳؛ منصور، ۴۷۱؛ کزازی، ۱۲۷۴)

(۶)

در ظاهر اگر دسست نظر کوتاه است دل راهمه جایاد تو خضر راه است
از روز و شبم، وصل تو خاطر خواه است خورشید گواه است، سحر آگاه است
(اسیر، ۲۸۰ پ؛ لکهنو، ۱۲۷۵؛ عبدالرسولی، ۸۹۶؛ نخعی، ۶۷۳؛ منصور، ۴۷۱؛ کزازی، ۱۲۷۵)

(۷)

آن دیدن راکه با تجلی کاری است گر گل به نظر جلوه گر آید، خاری است

در بزم توام حجاب تنها بس نیست هر پرتو شمع، سایه دیواری است
(اسیر، ۲۸۲ز؛ لکهنو، ۱۲۷۵)

(۸)

گردون، خشتی ز پایه رفعت اوست دریا، نمی از ترش ح رحمت اوست
خورشید که چرخ داده بر سر جایش پژمرده گلی ز گلش ن قدرت اوست
(اسیر، ۲۸۵ز؛ لکهنو، ۱۲۷۵؛ عبدالرسولی، ۸۹۶؛ نخعی، ۶۷۳؛ منصور، ۴۷۱؛ کزازی، ۱۲۷۷)^{۱۹}

(۹)

از فیض خیالت، چمن سینه شکفت از دیدن رویت، گل آینه ش کفت
چون صبح، لب از خنده جاوید نبست هر گل که ز باغ دل بی کینه شکفت
(اسیر، ۲۸۱ز؛ جواهر، ۱۴۰؛ لکهنو، ۱۲۷۳؛ عبدالرسولی، ۸۹۶؛ نخعی، ۶۷۲؛ منصور، ۴۷۰)

(۱۰)

دانی ز چه یک نام حق آمد غفار؟ یعنی که به مجرمان عاصی نام آر
گر جاهلی از جهل نکردی گنهی پس عفو همیشه می نشستی بیکار
(اسیر، ۳۱۹پ؛ لکهنو، ۱۳۰۴؛ عبدالرسولی، ۹۱۰؛ نخعی، ۶۸۸؛ منصور، ۴۸۶)

(۱۱)

ای نیش به دل ز فلک س فله نواز وی شیشه عشرت شکن شعبده باز
ای مدّت جورت چه وازل دیژ انجام وی نوبت مهترت چه وابد دور و دراز
(اسیر، ۳۲۴پ؛ لکهنو، ۱۳۰۴؛ عبدالرسولی، ۹۱۱؛ نخعی، ۶۸۹؛ منصور، ۴۸۷)^{۲۰}

(۱۲)

ای سوخته عشق تو جان آتش وی گرم ز ش کوهات زبان آتش

(۱۹) این رباعی را در جواهر الخیال نیافتم، اما مؤلف کتاب مذکور، آن را در اثر دیگر خود دقیق الخیال (برگ ۲۷۴پ) به اسم اسیر شهرستانی آورده است.

(۲۰) ضبط بیت دوم رباعی در دیوان خاقانی چنین است: چو ابد دیر انجام / چو ازل دور آغاز، این ضبط، ضبط درخور توجهی است. ولی جمیع نسخه های دیوان اسیر مطابق متن است.

هر کس که بدید خال بر روی تو گفت: هندوست نشسته شب میان آتش
(اسیر، ۳۱۹ز؛ لکهنو، ۱۳۰۴؛ عبدالرسولی، ۹۱۲)

(۱۳)

ای درد چو بی‌درد ز حال غافل برگردن اوچه بس—ته‌ای مهره‌دل؟
برس—رد همت جا، اگر انصاف دهی برگردن حق که دیدد س—ت باطل؟
(اسیر، ۳۲۴ز؛ لکهنو، ۱۳۰۵؛ عبدالرسولی، ۹۱۳؛ نخعی، ۶۹۲؛ منصور، ۴۸۹)

(۱۴)

چون یادی از آن چشم فسون ساز کنم می‌زبید اگر دع—وی اعجاز کنم
وقت اس—ت که از نگاه گرم ساقی چون نش—ئه به بال باده پرواز کنم
(اسیر، ۳۲۴ز؛ لکهنو، ۱۳۰۰؛ عبدالرسولی، ۹۱۵؛ نخعی، ۶۹۴؛ منصور، ۴۹۱)

(۱۵)

در عشق تو گر کشته شمشیر شوم بی‌دردم اگر ز خواهشت سیر شوم
ز آن آمده در عشق مرا پای به درد تا در س—ر کوی تو زمین‌گیر شوم
(اسیر، ۳۲۳پ؛ لکهنو، ۱۳۰۵؛ عبدالرسولی، ۹۱۵؛ نخعی، ۶۹۴؛ منصور، ۴۹۱)

(۱۶)

از کوی تو ای ن—گار زاری بُردیم آش—فته‌دلی و بی‌قراری بُردیم
ای مایه ش—ادمانی! آخر ز درت رفتیم و غمت ب—ه یادگاری بُردیم
(اسیر، ۳۲۱پ؛ لکهنو، ۱۳۰۰؛ عبدالرسولی، ۹۱۴؛ نخعی، ۶۹۳؛ منصور، ۴۹۰)

(۱۷)

افغان که نه دل برای س—وز آوردیم نه ناوک آه س—ینه‌دوز آوردیم
بیهوده چو آفتاب و مه، زیر س—پهر روزی به شب و شبی به روز آوردیم
(اسیر، ۳۲۱پ؛ لکهنو، ۱۳۰۵؛ عبدالرسولی، ۹۱۵؛ نخعی، ۶۹۴؛ منصور، ۴۹۱)

(۲۱) در چاپ لکهنوردیف این رباعی یک بار به صیغه مفرد آمده (ص ۱۲۸۴) و یک بار به صیغه جمع (ص ۱۳۰۰).
(۲۲) ردیف رباعی در چاپ لکهنو و به تبع آن دیگر چاپ‌ها، «آوردم» است.

(۱۸)

در مدرسه‌ها درس غلط فهمیدیم از معنی‌ها، لفظ فقط فهمیدیم
در دعوی غبن ما که خواهد خندید؟ هر سطر را ز یک نقطه فهمیدیم
(اسیر، ۳۲۳ پ؛ لکهنو، ۱۳۰۵؛ عبدالرسولی، ۹۱۵؛ نخعی، ۶۹۴؛ منصور، ۴۹۱)

(۱۹)

شد باغ ز شمع گل رعنا روشن وز مشعل لاله گشت صحرا روشن
از پرتو روی آتشین رخساری گردیده چراغ دیده ما روشن
(اسیر، ۳۲۱ ر؛ لکهنو، ۱۳۰۲؛ عبدالرسولی، ۹۱۹؛ نخعی، ۶۹۹؛ منصور، ۴۹۶؛ کزازی، ۱۳۱۸)

(۲۰)

مجلس ز می دو ساله گردد روشن چشم طرب از پیاله گردد روشن
پژمرده بود گل قسح بی می ناب از آب چراغ لاله گردد روشن
(اسیر، ۳۲۰ پ؛ لکهنو، ۱۳۰۲؛ عبدالرسولی، ۹۲۰؛ نخعی، ۷۰۰؛ منصور، ۴۹۷؛ کزازی، ۱۳۱۸)

(۲۱)

ای دل! چه فسرده‌ای، غمی پیدا کن ای غنچه داغ! شبنمی پیدا کن
خواهی که به ملک دل سلیمان باشی از صافی سینه، خاتمی پیدا کن
(اسیر، ۲۸۰ پ؛ لکهنو، ۱۳۰۱؛ عبدالرسولی، ۹۱۹؛ نخعی، ۶۹۸؛ منصور، ۴۹۶)

(۲۲)

تا گشت سرکوی بتان منزل من حل گشت به یمن عشق هر مشکل من
برغم چه نهم تهمت بیهوده که هست پیمانۀ پُر بادۀ حسرت دل من
(اسیر، ۳۲۳ ر؛ لکهنو، ۱۳۰۱؛ عبدالرسولی، ۹۱۹؛ نخعی، ۶۹۹؛ منصور، ۴۹۶)

سخن پایانی

به سال ۱۲۹۵ ق کسی که دست اندر کار چاپ دیوان خاقانی در مطبعه نول کشور بوده، از پیش خود، ۱۷ رباعی و ۱۲ قطعه شعر غیر رباعی را به بخش رباعیات دیوان خاقانی الحاق کرده است. بیست و دو فقره از این رباعیات الحاقی، سروده اسیر شهرستانی شاعر عهد صفوی است که مامتن

آن‌ها را بر اساس نسخه معتبری از دیوان این شاعر در مقاله آورده ایم. تعدادی نیز سروده دیگر شاعران آن روزگار مثل: قدسی مشهدی، میر داماد، مظفر حسین کاشانی، محشری خوانساری و صائب تبریزی است.

بیشترین رباعیات الحاق شده به دیوان خاقانی (۱۵۹ رباعی)، سروده شاعر ناشناسی از پیروان مکتب عرفانی ابن عربی است و در آن‌ها علاوه بر به کارگیری اصطلاحات خاص این مکتب، از بعضی کتب عرفانی متعلق به ابن عربی و پیروان او از جمله فصوص الحکم و لمعات عراقی نام برده شده است.

رباعیات الحاقی مورد نظر، از طریق چاپ علی عبدالرسولی که اولین تصحیح دیوان خاقانی محسوب می‌شود به تألیفات معاصران نیز راه یافته و به نام خاقانی شهرت یافته است.

فهرست منابع

- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران، انتشارات فردوس، ج ۲، چاپ یازدهم: ۱۳۷۱؛ ج ۵ (بخش دوم): ۱۳۶۴
- تذکره لطایف الخیال، شاه محمد عارف دارابی، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم - تهران، مجمع ذخایر اسلامی با همکاری کتابخانه ملک و کتابخانه مجلس، ۱۳۹۱، ج ۲
- تذکره نصرآبادی، محمد طاهر نصرآبادی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸، ج ۲
- ترانه‌ها، به انتخاب پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۰
- جواهر الخیال، محمد صالح رضوی، دستنویس شماره ۴۵۱۸ کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابت لطف علی یوزباشی ایوانلی، شکسته نستعلیق سده ۱۲ ق، ۵۸ برگ
- دقایق الخیال، محمد صالح رضوی، دستنویس شماره ۹۳۹۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت در ۱۱۳۳ ق، ۳۳۲ برگ (به انضمام لطایف الخیال)
- دیوان اسیر شهرستانی، دستنویس شماره ۳۵۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نستعلیق، ۱۰۶۲ ق، ۳۲۵ برگ
- دیوان حاجی محمدجان قدسی مشهدی، تصحیح محمد قهرمان، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵
- دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، چاپ چهارم: ۱۳۷۳
- ، به تصحیح و تحشیه علی عبدالرسولی، تهران، چاپخانه سعادت، ۱۳۱۷
- ، با شرح اشعار به قلم سید محمدصادق علی لکهنوی، لکهنو، مطبعه نول کشور، ۱۲۹۲-۱۲۹۵ ق،
- ج ۲
- ، شرح احوال به قلم محمد عباسی، فهرست‌ها به کوشش حسین نخعی، تهران، انتشارات امیرکبیر،
- ۱۳۳۶
- ، ویراسته دکتر میرجلال الدین کزازی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵، ج ۱
- ، دستنویس OR.۷۹۴۲ کتابخانه موزه بریتانیا، کتابت احمد بن محمد سامانی، خجند، ۶۶۴ ق،
- ۴۲۶ برگ
- ، دستنویس شماره ۹۷۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بدون رقم، سده هفتم، ۳۶۷ برگ

- ، دستنویس شماره ۳۸۱۰ کتابخانه فآتح استانبول، کتابت ارسلان ملکی صدری، ۷۰۲ ق، ۲۷۴ برگ
- ، دستنویس شماره ۴۳۳ کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران، بدون رقم، سده ۷-۸ ق، ۳۰۹ برگ
- ، دستنویس شماره ۱۷۰۶۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بدون رقم، نستعلیق، ۳۲۸ برگ
- دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد دوم: ۱۳۶۵
- رباعیات خاقانی، به سعی و اهتمام کارل زالمان، دارالسلطنه پترسبورغ، ۱۲۹۲ ق
- رباعیات خاقانی شروانی، ترتیب و پیشگفتار: محمد آقا سلطان زاده، باکو، نشریات یازیچی، ۱۹۸۲ م
- رباعیات خَیام و خَیامانه‌های پارسی، سیدعلی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۹
- سخن و سخنوران، بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات وازرمی، چاپ سوم: ۱۳۵۸
- سفینه خوشگو، بندرابن داس خوشگو، دفتر دوم، تصحیح سید کلیم اصغر، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹
- فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، خانبابا مشار، تهران، ۱۳۵۱، ج ۲
- قصص الخاقانی، ولی قلی شاملو، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۲
- کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، عارف نوشاهی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۱، ج ۴
- کلیات شمس یا دیوان کبیر، با تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۵۵، جزو سوم
- مجمع النفایس، سراج علیخان آرزو، به کوشش زینب النساء علی‌خان، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳ ش، ۲۰۰۴ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی